

صورت‌بندی جریان‌های سیاسی دهه نخست انقلاب اسلامی

و نظام دانایی آنها در اندیشه سیاسی امام خمینی^۱

* حسین ارجینی
** عیسی مولوی وردنجانی

چکیده

جریان‌های سیاسی، به عنوان کنشگران حیات سیاسی جوامع، در تحولات سیاسی جامعه ایران، همواره مورد توجه بوده‌اند. اندیشمندان حوزه سیاست از منظرهای مختلفی به گونه‌شناسی جریان‌های سیاسی پرداخته‌اند. این مسئله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده اجتماعی در بستر جامعه بسط یافت به این جهت کالبدشکافی جریان‌های سیاسی از اهمیت دوچندان برخوردار گردید. به این دلیل، این پژوهش به صورت‌بندی جریان‌های دهه نخست انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق گویای آن است که حضرت امام ضمن بهره‌جویی از معیارهای مختلف، معنایی متفاوت از آنچه در منهج فکری محققان است به صورت‌بندی جریان‌های سیاسی پرداخته است.

واژگان کلیدی

جریان‌های سیاسی، امام خمینی^{فاطمی}، انقلاب اسلامی، نظام دانایی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله مقطع دکتری می‌باشد.

arjini@maaref.ac.ir

* استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم.

molavi131@gmail.com

** دانش آموخته دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۱۳

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است. این کتاب جایگاه احزاب و تشکل‌های سیاسی در نگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری را مورد کاوش قرار داده و یافته محقق یک‌سونگری این دو شخصیت در نوع توجه به احزاب و تشکل‌های سیاسی است. (ر.ک: ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸) تحقیق دیگر «تشکل‌های سیاسی در گفتمان سیاسی امام خمینی» است. مسئله اصلی نگارنده در این پژوهش، این است که آیا پدیده تشکل‌های سیاسی در گفتمان امام رهبر، مورد پذیرش قرار‌گرفته یا اینکه آنها را به حاشیه رانده و رد می‌نماید؟ محقق معتقد است حضرت امام رهبر همواره بر ضرورت نظم و سامان سیاسی، تأکید داشته و به پذیرش اصل تشکل و تحزب سیاسی در حکومت اسلامی مبتئی بر ولايت‌فقیه به مثابه یک حق حیاتی نگریسته‌اند؛ اما پذیرش یا رد یک تشکل سیاسی از سوی ایشان به ایده و ماهیت آنها بستگی خواهد داشت. (ر.ک: فاطمی قیری، ۱۳۹۱)

تحقیق دیگر مقاله‌ای با عنوان «بازتعریف حزب مطلوب و نقش آن در جامعه سیاسی از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران» است. نویسنده این معتقد است که در مبانی فکری رهبران انقلاب اسلامی نظریه سیاست اسلامی، قابل استباط و استخراج است که می‌توان براساس آن به تبیین جامعه سیاسی و جایگاه و نقش احزاب در آن دست یافت. (ر.ک: جمال‌زاده، ۱۳۹۶)

«تحزب از منظر امام خمینی رحمة الله و مقام معظم رهبری»، نویسنده معتقد است با توجه به نقشی که رهبران انقلاب در تدوین سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی و ترسیم خطوط کلی حرکت انقلاب و نظام اسلامی دارند، اطلاع از موضع این رهبران نسبت به موضوعات مهم همچون «تحزب»، یک ضرورت به‌شمار می‌رود. (ر.ک: لطیفی، ۱۳۹۳)

با تأمل در آثار و تأثیراتی که در حوزه اندیشه امام خمینی ارائه شد؛ رویکرد متفاوت موضوع تحقیق با پژوهش‌های مختلف، کاملاً محرز و نوآوری آن نیز مشخص است. زیرا اثری که به صورت‌بندی جریان‌های سیاسی در منظومه فکری امام خمینی پرداخته باشد، یافت نشد. به این جهت می‌توان بیان کرد حضرت امام با نگرشی متفاوت از آنچه دیگر اندیشمندان حوزه جریان‌شناسی به صورت‌بندی گروه‌ها سوق یافته‌اند؛ جریان‌ها را کالبدشکافی کرده و گونه‌ای جدید از آنها ارائه کرده است.

مبنای صورت‌بندی جریان‌های سیاسی در منظومه فکری امام خمینی

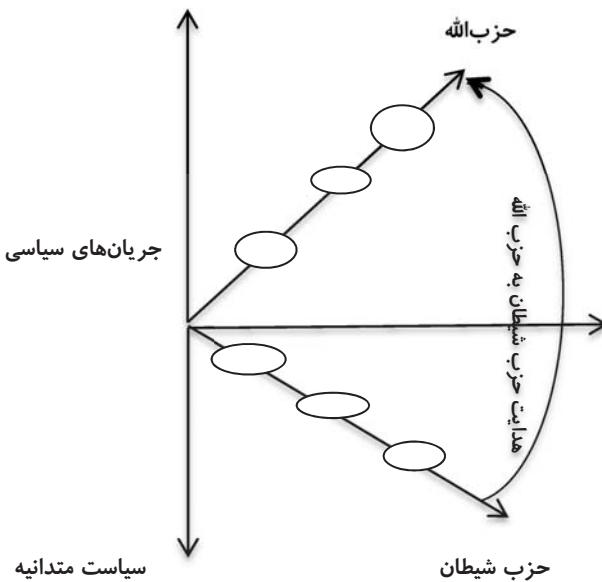
روی آوری پژوهشگران به جریان‌شناسی و پرداختن به صورت‌بندی جریان‌های معاصر آن چنان زیاد است که می‌توان گفت در عصر حاضر، موجی از تأثیفات در حوزه جریان‌شناسی به راه افتاده، بدیهی است هر صورت‌بندی برآمده از نوع نگرش افراد به جریان‌ها به عنوان کنشگران سیاسی در بستر

اندیشه را جهت قضاوت در مورد جریان‌های سیاسی ملاک قرار نمی‌دهد. بلکه در فرایند ارزیابی جریان‌ها روش و عملکرد آنها را نیز به عنوان معیار سنجش می‌داند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۰ / ۳۰۶)

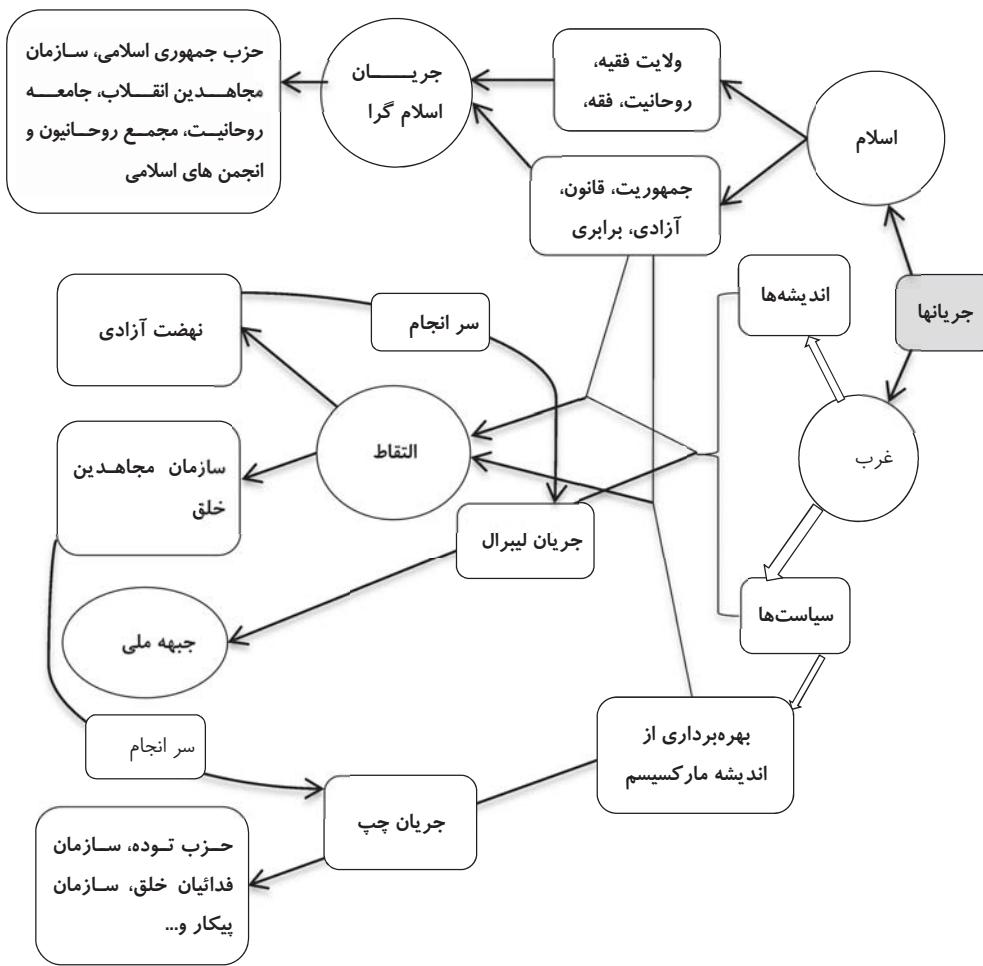
به طور کلی جریان‌هایی که در راستای وحدت و انسجام جامعه به دنبال خدمت به مردم، (ر.ک: همان: ۷ / ۳۰۴ - ۳۰۳) ترمیم نابسامانی‌ها و خرابی‌ها، تقویت بیانش سیاسی، نداشتن سوابق مشکوک، شناخت صحیح از هویت جامعه ایران، صداقت و راستی در عمل باشند، از عملکرد مطلوب برخوردارند و در حزب الله جایی دارند؛ اما جریان‌هایی که به دنبال دستیابی به قدرت، تفرقه و ایجاد تنش در جامعه و تأمین منافع دولت‌های استعمارگر قرار دارند. (ر.ک: همان: ۸ / ۲۸) به عنوان حزب شیطان شناخته می‌شوند و باید سعی نمود حزب شیطان را متوجه گمراهی و ضلالتی که در آن گرفتار شده‌اند، نمود. تا جامعه را دچار اوجاج نسازند.

بنابراین امام در نگاهی کلی جریان‌ها، احزاب، تشكل‌ها و طیف‌بندی‌های سیاسی را در قالب حزب الله و حزب شیطان ترسیم می‌سازد و براساس عملکرد آنها معتقد است که هر جریانی که اهداف متعالی اسلام را در بستر جامعه پیاده نماید، در حزب الله قرار دارد و هر جریانی که به دنبال سیاست متدانیه و منافع خزینی و شخصی به تفرقه و آشوب در جامعه پردازد، در حزب شیطان جایی می‌گیرد. (همان: ۱۷ / ۱۹۴ - ۱۹۱) شایان ذکر است که در ادبیات فکری امام خمینی^۵ حزب شیطان را می‌بایست مورد هدایت قرار داد و از ریشه‌های آنها جلوگیری نمود و تا زمانی که خطری برای جامعه سیاسی نداشته باشند، حفظشان کرد؛ که در نمودار زیر می‌توان ترسیمی از این نوع تقسیم‌بندی مشاهده نمود.

سیاست متعالیه



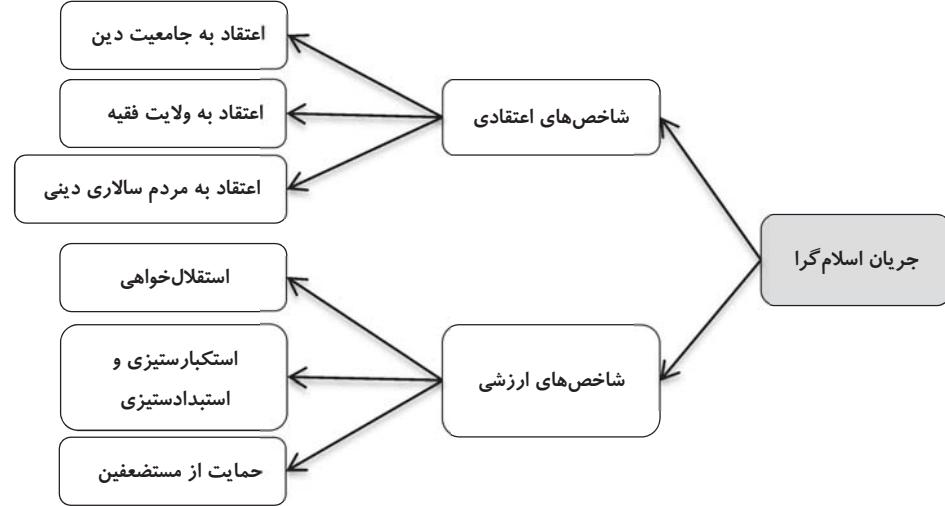
از جهتی دیگر همان‌گونه که بیان شد، امام خمینی ملاک سنجش جریان‌ها را ایدئولوژی و تفکر حاکم بر نظام دنایی جریان‌ها می‌شمارد. ایشان می‌فرماید: «میزان، ایده حزب است». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۷؛ ۱۹۳/۱۷) و به‌گونه‌های مختلف جریان‌های سیاسی در عصر حاضر می‌پردازد و در مورد آنها سخن می‌گوید. از جمله جریان‌هایی که امام خمینی به آنها اشاره دارد، جریان اسلام‌گرا، جریان لیبرالیسم و جریان مارکسیسم است که ظاهراً برگرفته از سه تفکر اسلام، غرب و تفکر کمونیسم هستند؛ اما بیان خواهد شد که حضرت امام شکل گیری جریان چپ را ریشه در تفکرات مارکسیستی نمی‌داند. بلکه سازوکار به وجود آمدن این جریان را در سیاست‌های استعمار انگلیس و آمریکا می‌داند. در شکل زیر می‌توان ترسیمی از صورت‌بندی جریان‌های سیاسی از منظر امام را مشاهده نمود.



اسلام گرا از حمایت توده مردم نیز گردید. محور فعالیت این جریان، برمدار ولايت‌فقیه و مبنی بر فقاهت قرار داشت. چراکه توحید را اساس حیات اجتماعی و ساختار و بافت شکل‌گیری جامعه را مبنی بر معارف اسلامی می‌دانستند. در این راستا، معتقد بودند اسلام دینی جامع است که برای بشر «پیش از آنکه نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور رود، قانون وضع کرده است و همان‌طور که برای وظایف عبادی، قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی، قانون و راه و رسم دارد».^(۱۲) (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۲)

براساس این، در نظام فکری اسلام‌گرایان، شالوده اسلام با سیاست درهم‌تینیده شده است. بدین‌جهت توانستند بنیان فکری غرب را که قرن‌هاست بر پایه سکولاریسم قرار دارد؛ برهمن زده و اندیشه دینی را که در جهان غرب و شرق، افیون توده‌ها تلقی می‌شود، در قالب عالم سیاست به عنوان روح جهانی که علایی از حیات بود، بدمند (ر.ک: فوکو، ۱۳۹۱) و جانی تازه در شریان جامعه ایجاد کنند و نظمی نو در نظام جهانی برمی‌سازند.

از دیگر شاخصه‌های این جریان، مقابله با هرگونه حاکمیت دولت‌های استعمارگر بر جامعه ایران است. اسلام‌گرایان با تکیه بر آموزه‌های ظلم‌ستیزی مذهب تشیع، علی‌رغم آنکه در بعد بین‌المللی سیطره و تفوق هر کشوری بر ایران را بر نمی‌تابند؛ در بعد جامعه درونی ایران، تن به هیچ‌گونه استبداد و حکومت فردی نمی‌دهند. چراکه بنیان فکری جریان اسلام‌گرایان مبنی بر قاعده نفی سبیل^۱ قرار دارد که هرگونه سلطه ظالمانه بر مسلمانان را نفی می‌سازد. از این‌رو آزادی را به عنوان مؤلفه‌ای که آمیخته با سرشت آدمی است،^۲ به عنوان یک موهبت الهی می‌دانند و با انتکای به چنین شاخصه‌ای، آحاد جامعه براساس ضوابط دینی مسئولان نظام را تعیین می‌سازند. (مظفری، ۱۳۸۵ - ۳۹ - ۳۳)



۱. «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيِّلًا». (نساء / ۱۴۱)

۲. «لَا تَكُنْ عَبْدًا لِغَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حَرَّا». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

نکته حائز اهمیت آن است که جریان لیبرال با هر دو گرایشش به علت نامأتوس بودن ادبیات فکری و ضعف در عملکردشان با گفتمان حاکم بر جامعه، همواره در طول تاریخ، دیگر جریان‌ها را محملی برای خود قرار می‌دادند. به عبارتی توان ایستادن بر روی پای خویشتن را نداشتند. بهطور نمونه در دوران مشروطه، زمانی که تحولات بر محور دین‌مداران بود، به آنها تمایل یافتند تا قدرت را کسب نمایند و پس از به قدرت رسیدن در مشروطه، چهره ضد دینی خود را نمایان ساختند؛ زمانی که رضاخان به قدرت رسید به عنوان حامی استبداد رضاخانی درآمدند؛ با شکل‌گیری موج اسلام‌گرایی و پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد هژمونی گفتمان دینی به دنبال شریک شدن در ارکان قدرت و اداره امور کشور برآمدند؛ اما زمانی که فضای آزادی اندیشه و عمل را مشاهده کردند، در پی ترویج و نهادینه سازی بنیان‌های فکری خویش برخاستند که نتیجه آن مقابله با دین و نظام جمهوری اسلامی بود.

این نکته حائز اهمیت است که چنین اندیشه‌ای برآمده از دل جامعه نبود و یک اندیشه وارداتی تلقی می‌شد که خاستگاهش خارج از جغرافیای سیاسی ایران و بر مدار تفکر، ارزش‌ها و دستاوردهای غرب قرار داشت که در قالب دموکراسی و جمهوری خواهی در ابتدای انقلاب اسلامی تجلی یافت. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷ - ۱۳۸)

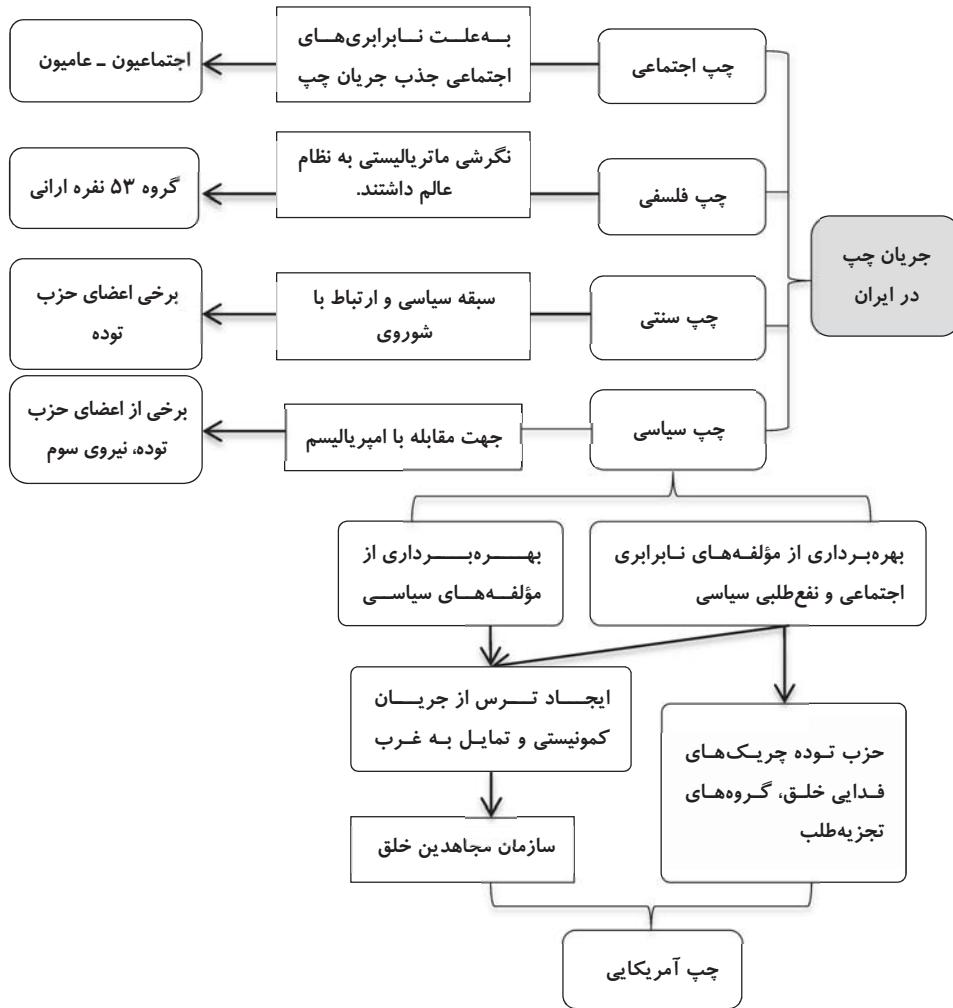
(الف) جریان لیبرالیسم ملی‌گرا

برخی محققان در بیان پیشینه ملی‌گرایی، چنین گرایشی را به جنبش‌های قبل از اسلام و برخی نیز به جریان‌های سیاسی پس از اسلام، همچون جریان شعوبیه ارتباط می‌دهند. (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۳) اما فارغ از ریشه‌یابی و کنکاش در بنیان شکل‌گیری ملی‌گرایی، باید اذعان داشت اساس جریان ملی‌گرایی با ادبیات سیاسی کنونی در اروپا پس از رنسانس شکل گرفت، رشد یافت و در تحولات مشروطه توسط روش‌گران و جریان فراماسونی به داخل ایران وارد شد. (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۳۷۱ - ۳۶۸)

نکته حائز اهمیت در مورد نوع ملی‌گرایی ایران، این است که جریان ناسیونالیسم، جلوه گر چهره‌های گوناگونی در ایران شد. در ابتدا جریان ناسیونالیسم و ملی‌گرایی که حامیان آن روش‌گران دوران مشروطه بودند. به طور صریح در مخالفت با دین فعالیت می‌کنند. در دوران رضاخان ملی‌گرایی در قالب باستان‌گرایی قابل ترسیم است و پس از آن به علت فضای استعمارستیزی و ملی‌کردن صنعت نفت، ناسیونالیسم جهت مواجهه با انگلیسی‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفت؛ اما آنچه مقصود این تحقیق است، جریان ملی‌گرایی ضدانگلیسی است.

شكل‌گیری جریان ملی‌گرایی ضدانگلیسی را باید در جریان ملی‌کردن صنعت نفت جستجو نمود؛ که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این جبهه به حالت احتضار فرو رفت و هرگاه به دنبال احیای حیات

ازین رو باید با آنها مقابله کرد چراکه «آن قدری که اسلام تکیه کرده است بر اینکه منافقین را از بین ببرد یا اصلاحشان کند، برای کفار این طور نیست. انسان می‌داند با آدم کافر چه بکند، اما با منافقین نمی‌داند، چه کند». (امام خمینی، ۱۳۸۷ / ۱۷ / ۱۹۲)



نتیجه

جريان‌های سیاسی به عنوان یک رخداد تاریخی، همواره در جوامع مختلف، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ این موضوع به عنوان پدیده‌ای حائز اهمیت و مؤثر در تحولات سیاسی جامعه ایران، همواره مورد توجه حضرت امام نیز قرار گرفته است. ایشان ضمن پذیرش کارکرد جريان‌های سیاسی در جامعه بر

۴۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، ۱۳۷۰، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۴۲. مهدی بازرگان، ۱۳۴۴، ذره بی‌انتها، تهران، نشر علمی فرهنگی.
۴۳. میرسلیم، سید مصطفی، ۱۳۸۴، جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۴۴. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول و دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.